

## تحلیلی بر چالش‌ها و تاب‌آوری معماری معاصر ایران با پیوستن به جامعه شبکه‌ای

نشاط السادات محمود نظری تکیه<sup>۱</sup>، سیامک نیری فلاح<sup>۲\*</sup>

### چکیده

جامعه شبکه‌ای با ارائه مفاهیم متفاوتی از زمان و مکان و نگاه جهانی به معماری، جوامع در حال توسعه از جمله ایران را با چالش‌های جدیدی مواجه می‌کند. در امتداد همه این دگرگونی‌ها و ظهور آسیب‌هایی در نتیجه بروز چندگانگی فرهنگی و اجتماعات فراملی، مسائل تازه‌ای برای یک جامعه در رابطه با چگونگی حفظ و بازیافتن جایگاه خود، هنگامی که در طیف فرآیند شبکه‌ای شدن قرار می‌گیرد مطرح می‌شود. بنابراین اینکه معماری معاصر ایران در طی این روند با چه سازوکاری حیات خود را حفظ نموده و تاب آورد، مسأله‌ای قابل بررسی است. در این روند گام اول، شناخت وضعیتی است که با آن مواجه هستیم. هدف اصلی پژوهش شناخت و بررسی تحولات ناشی از پیوستن اجتماعات به جامعه شبکه‌ای و نحوه تأثیرات آن بر مقوله معماری است. بر این اساس سعی بر آن است با تحلیل مطالعات، وآراء صاحب‌نظران جنبه‌هایی از تحولات فرآیند شبکه‌ای شدن بررسی و مهم‌ترین تأثیرات آن در رابطه با ابعاد مختلف فضا و معماری مورد تحلیل و تطبیق قرار گیرد. روش گردآوری اطلاعات بصورت مستندسازی و مبتنی بر مباحث کیفی و تحلیل تطبیقی است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که ماهیت متکثر جامعه شبکه‌ای ضمن تسریع تعاملات جهانی و عوامل متصل به آن، معماری را با شرایط دوگانه‌ای چون همگونی و التقاط مواجه می‌سازد. در این راستا معماری نیازمند رویکردهایی است که با حفاظتی خلاق، میان جهانی شدن و حفظ ویژگی‌های منطقه‌ای تعادلی در جهت معماری تاب‌آور ایجاد کند. لازمه شکل‌گیری معماری تاب‌آور در جامعه شبکه‌ای تعدیل آثار این تحولات با حفظ ارتباط همزمان میان مقوله‌های: فرهنگ و هویت بومی، فرهنگ و هویت جهانی، مکان، فضای جریان، فناوری و تکنولوژی با محوریت اصلی انسان و در رابطه‌ای پویا با زمان است. محصول معماری زمانی می‌تواند در این گفتمان جهانی تاب بیاورد که در حرکتی موافق زمان، ضمن حفظ ارتباطش با جهان، به صورتی آگاهانه ویژگی‌های خود را شناخته، حفظ و توسعه بخشد و در تعادلی بین حفظ ریشه‌اش با زمینه خود و تحولات جهانی قرار گیرد تا بتواند با برقراری تعاملی خلاقانه، نوعی از معماری را تعریف کند که ضمن احیاء و تقویت ارزش‌های منطقه‌ای، با ایجاد بستری مناسب برای حضوری پویا و ایفای نقش در معماری آینده مزایای جهانی را نیز به همراه داشته باشد.

واژگان کلیدی: جامعه شبکه‌ای، جهانی شدن، منطقه‌گرایی انتقادی، معماری تاب‌آور

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران، واحد نور، نور، مازندران  
E-mail: neshat.nazari@yahoo.com

۲. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران، واحد نور، نور، مازندران (نویسنده مسئول).  
E-mail: s\_nayyerifallah@iaounour.ac.ir

## ۱- مقدمه

جامعه شبکه‌ای به عنوان یک روند جدید که ساختارهای متفاوت اجتماعی را با تکیه بر فناوری اطلاعات ایجاد نموده، نمود دیگری از وجود اجتماعی متفاوت از دنیای واقعی است، خصوصیات آن از جمله: تمرکززدایی، فضای جریان، فشرده‌سازی زمان و مکان، بازآفرینی خود، قومیت و درهم آمیختگی در جامعه شبکه‌ای ظاهر می‌شوند (Yi & Alin, 2020). جهانی شدن با همگرایی فرهنگی - اقتصادی و افزایش حجم مراودات اقتصادی بخصوص در حوزه تکنولوژی و ابعاد زیر ساختی - کالبدی معماری شهرها، باعث ایجاد معماری بدون مرز و چند فرهنگ‌گرایی در حوزه سبک‌های معماری به واسطه ارتباطات شده است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۴). با انقلاب دیجیتال و تشدید وابستگی‌های متقابل، جهانی واحد در حال شکل‌گیری است که از طریق شبکه‌ها به هم پیوند خورده‌اند (علی الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲). انتقال و دریافت فوری اندیشه‌ها در سراسر جهان با استفاده از ارتباطات اینترنتی به زندگی اجتماعی سرعت بخشیده و در نتیجه فضا کاهش یافته و در این شرایط جوامع معاصر دیگر تحت سلطه تولید نیستند، بلکه؛ رسانه‌ها، الگوهای سایبرنتیک، فناوری اطلاعات و نظایر آن قدرت را بر دست گرفته‌اند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰). در این شرایط، سیاست‌های فراملی بر همه اجزاء از جمله معماری یک کشور تأثیرگذار خواهند بود و دولت‌های ملی دیگر تنها نهاد تأثیرگذار بر زندگی و مسکن مردم نیستند (علی الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲). بین آنچه معماری تلقی می‌شود و دامنه وسیع تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در زیر مجموعه جهانی شدن، رابطه‌ای متقابل برقرار است. معماری بازتاب آنچه در زمینه‌های مختلف جامعه اتفاق می‌افتد است و در نتیجه تغییر ارزش‌ها و تغییر رفتار، محیط نیز باز تعریف می‌شود (Asefi et al., 2019).

با قدرت عظیمی که رسانه‌های ارتباطی در دست دارند ارتباطات میان فرهنگی، سرعت و سهولت گرفته و قدرت را در اختیار کشورهای توسعه یافته و عضو شبکه جهانی داده و این فرهنگ‌های قدرتمندتر که ابزار و زیرساخت‌ها را در اختیار دارند در کشورهای در حال توسعه ترویج یافته، به نحوی که نقش فرهنگ‌های بومی در این بین کمرنگ شده است (فرهادی محلی، ۱۳۹۰). نمود جهانی این مسأله به صورت شرکت‌های چند ملیتی معماری و برندسازی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در صنعت ساختمان در تعداد معدودی از شهرهای جهانی است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۴). رشد سریع زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی، فناوری و تکنولوژی بستر گرایش به سمت دیدگاه جهانی را در معماری معاصر ایران ضمن جدایی از اصول گذشته و بی‌توجهی به بستر و فرهنگ فراهم و معمار را بدون شکل‌گیری یک بنیان اندیشه‌ای منسجم و آگاهی از مفاهیم فکری مکاتب، به سمت تقلید سطحی واداشته است (حبیب و حسینی، ۱۳۸۹). بنابراین توجه به مسأله شبکه‌ای شدن بویژه در کشورهای در حال توسعه به دلیل تهدید تسلط فرهنگی غرب به واسطه در اختیار داشتن قدرت فناوری و خطر از بین رفتن هویت‌های منطقه‌ای دارای اهمیت است (Asefi et al., 2019). در این فرآیندهای تحول‌زا، اکثر جوامع در حال توسعه بسیاری از پیوندهای فرهنگی - بومی خود را از دست داده‌اند و نتوانسته‌اند با ایجاد تعادل خود را همراه با این تحولات هماهنگ کنند و در اثر شدت این انتقال فرهنگی و سطح متفاوت پذیرش جامعه، ارتباط انسان با محیط و فرهنگ بومی خود مورد تزلزل قرار گرفته و با توجه به اینکه معماری پدیده ایست فرهنگی، تأثیرات قابل توجهی در این میان گرفته و اگر این تحولات به زودی شناخته نشوند و برای آنها برنامه‌ریزی و اهدافی در نظر گرفته نشود معماری نمی‌تواند ویژگی‌های فرهنگی بومی و هویتی خود را حفظ و در نتیجه حیات و تاب‌آوری معماری مورد تهدید واقع می‌شود. بنابراین نیازهایی برای ایجاد تعادلی میان پدیده جهانی شدن

و حفظ ویژگی‌های منطقه‌ای است. بر این اساس هدف اصلی پژوهش شناخت و بررسی تحولات ناشی از پیوستن اجتماعات به جامعه شبکه‌ای و نحوه تأثیرات آن بر مقوله معماری و تبیین ویژگی‌هایی که همراستا با این تحولات تاب‌آور باشد است. طرح مسأله اساسی آن است که در راستای تحولات جوامع در نتیجه پیوستن به شبکه جهانی، معماری با چه سازوکاری حیات خود را حفظ نموده و تاب آورد و چگونه می‌توان تعادلی میان حفظ هویت منطقه‌ای معماری و در عین حال رو به پیشرفت برقرار کرد.

## ۲- پیشینه تحقیق

پژوهشگران از زوایای متفاوتی درباره پدیده جهانی شدن بحث، و نظریات و تعاریف متنوعی ارائه داده‌اند. رونالد رابرتسون جهانی شدن را تراکم جهان و آگاهی‌ها نسبت به جهان به عنوان یک واحد تعریف می‌کند و ادیان بزرگ و امپراطوری‌ها را به عنوان جهانی شدن در قدیمی‌ترین اشکال تاریخی، معرفی می‌نماید (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۶). پاتریک گدس (۱۹۱۵) در کتاب «تکامل شهرها»، شهرهای مهم اروپا را مکان انجام بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی برتر جهان توصیف نمود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰). از دهه (۱۹۶۰) با انقلاب الکترونیکی و ارائه طرح دهکده جهانی مارشال مک لوهان، این مفهوم از پیچیدگی، سرعت و تأثیرگذاری بیشتری بر جوامع برخوردار گشت (بایزیدی و همکاران، ۱۸، ۱۳۹۶). پیتر هال (۱۹۶۶) تحت تأثیر مطالعات گدس؛ شش شهر لندن، پاریس، رامستد، راین روهر، مسکو، نیویورک و توکیو را به عنوان شهرهای جهانی مورد بررسی قرار داد. توماس کوهن (۱۹۸۱) شهرهای جهانی را بر اساس میزان غلبه مراکز مالی، به دو سطح درجه یک و دو تقسیم کرد. به اعتقاد پیتر هال (۱۹۸۴) شهر جهانی در مفهوم جدید نه تنها به عنوان شهرهای اقتصادی برتر جهان محسوب می‌شوند، بلکه توسط شرکت‌های فراملی خارج از چارچوب دولت-ملت کنترل می‌شوند. جان فریدمن (۱۹۸۶) ضمن مطرح کردن سازمان تقسیم جدید فضایی نیروی کار بین المللی، شهرهای جهانی را کارکردهایی در نظر گرفت که ضمن کنترل جهانی، بر پویایی‌های اقتصادی و تولید ارزش‌های اجتماعی تأثیرگذارند (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۴). ساسکیاساسن (۱۹۹۱) ضمن تأکید بر همکاری بین المللی شهرها و اهمیت تمرکز خدمات تولیدی و تخصصی در شهرهای جهانی، سه شهر نیویورک، لندن و توکیو را به دلیل تمرکز بالای مراکز فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی، به عنوان شهرهای برتر جهانی معرفی نمود. بعد ازین، دو رویکرد نسبتاً متفاوت در مطالعات شهرهای جهانی با محوریت نظرات فریدمن و ساسن شکل گرفت که براساس این فرضیات، شهرها نقش‌های تازه‌ای را در روند جهانی شدن ایفا می‌کنند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰). به تعبیر ساسن؛ جهانی شدن به طور همزمان نهادهای فراملی و فروملی را شامل می‌شود. از نظر او فرآیندها شامل شبکه‌های فرامرزی اتصال‌دهنده با بازیگران محلی و ملی متعدد است. این نگرش از بعد «پارادایم تفکر ارتباطی» به پیوندهای مکانی به عنوان گره‌های شبکه‌ها نگاه می‌کند و جهان را نه در چارچوب ویژه غربی شدن، بلکه استوار بر شبکه شهرهای جهانی می‌بیند که در آن گره‌ها ضمن حفظ نقش و کارکرد خود اثرات متقابلی بر روی هم می‌گذارند. صاحب نظرانی چون مانوئل کاستلز، ساسکیا ساسن و پیتر تیلور با تفکر ارتباطی در چارچوب فضای جریان‌ها موضوع شهرهای جهانی را به مسئله اصلی جهانی شدن تبدیل کردند (قزلسفلی و همکاران، ۱۳۹۴).

آنتونی گیدنز (۱۹۹۰) جهانی شدن را «مدرنیته جهانی» در نظر می‌گیرد که طی آن، تأثیر و تأثر متقابل میان رویدادهای مختلف در سطح کلان و جهانی از یک سو و رویدادهای خرد و محلی از سوی دیگر ایجاد می‌شود (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۴). مانوئل کاستلز (۱۹۹۰) با اشاره به عصر اطلاعات،

جهانی شدن را ظهور نوعی «جامعه شبکه‌ای» می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری، پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد (فرهادی محلی، ۱۳۹۰، ۶۴). رونالد رابرتسون (۱۹۹۲) در کتاب «جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی» باورهای فرهنگی را عامل مهمی در تغییرات اجتماعی در نظر گرفته است. وی تغییرات فرهنگی را نسبی شدن هویت‌های فرهنگی، ناشی از عام شدن خاص و خاص شدن عام تفسیر می‌کند (محمدی الموتی، ۱۳۹۲). مالکوم واترز (۱۹۹۵) درک مفهوم جهانی شدن را به ویژه برای کشورهای کمتر توسعه یافته به منظور تداوم و توسعه، ضروری می‌داند. دیوید هلد (۱۹۹۶) در کتاب «دموکراسی و نظم جهانی» ضمن داشتن نگاه آسیب شناختی به جهانی شدن، این پدیده را حرکتی به سمت نوعی دموکراسی جهانی می‌بیند که در عین حال کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت (فرهادی محلی، ۱۳۹۰، ۶۴). او جهانی شدن را فرآیندی اجتماعی تعریف می‌کند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که مرزی بر روابط اجتماعی و فرهنگی انسانهاست، از بین می‌رود (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۰). دیوید هاروی (۱۹۹۸)، جهانی شدن را دربردارنده دو عنصر «فشرده‌گی زمان و مکان» و «کم شدن فاصله‌ها» می‌داند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰، ۷۱). ایمانوئل والر اشتاین (۲۰۰۰) در مقاله «جهانی شدن یا دوره گذار»، می‌گوید که جهانی شدن با تبدیل جهان به نظام جهانی مدرن، از قرن پانزدهم میلادی شروع و پدیده تازه‌ای محسوب نمی‌شود. جامعه‌شناسی اقتصادی والرشتاین با الهام از الگوی مارکسی تغییرات اجتماعی، تحولات در نظام جهانی را بر اساس نیروهای اقتصادی تحلیل می‌کند (محمدی الموتی، ۱۳۹۲). جان تامیلنسون (۲۰۰۱) می‌گوید: «جهانی شدن، در فرآیند توسعه سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع، فرهنگ‌ها، نهادها و افراد در تمامی نقاط جهان معنا پیدا می‌کند» (فرهادی محلی، ۱۳۹۰، ۷۱).

### ۳- روش پژوهش

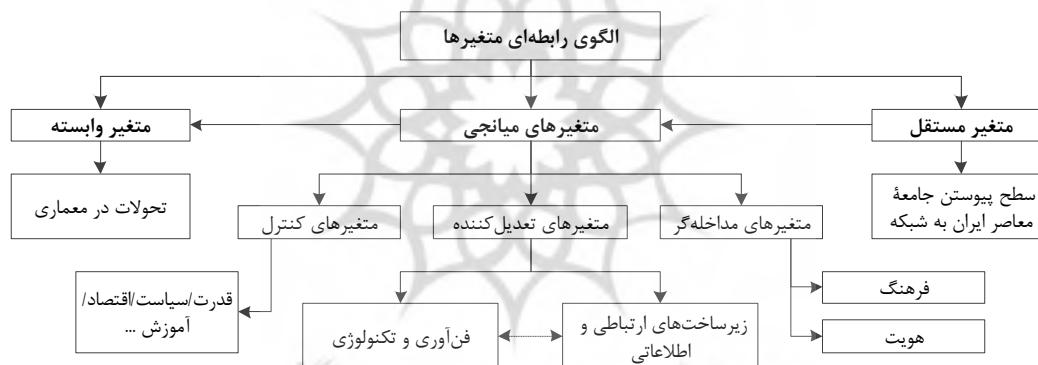
باتوجه به غیر قابل پیش بینی بودن و سرعت بالا و دامنه گسترده تأثیرات فرآیند شبکه‌ای شدن، زمینه پژوهش بر پایه پارادایم پسا ساختار گرایی ایجاد شد. در اینجا وظیفه علم نه کشف علل رفتار، بلکه تفسیر و قابل فهم کردن آن است. این پارادایم در نظریه‌های جامعه‌شناسی در دسته پسامدرن (نظریه‌های معناکاو) قرار می‌گیرد و نظام رهیافتی آن بر پایه گفتمان است. در این نگاه، جوامع به عنوان سیستم‌های باز و پویا مورد مطالعه قرار می‌گیرند (توحیدفام، ۱۳۸۹). روش گردآوری اطلاعات بصورت مستندسازی و مبتنی بر مباحث کیفی و تحلیل تطبیقی است. فرض بر آن است که اگر معماری، در عرصه گفتمان جهانی بر اساس فرهنگ‌های بومی-منطقه‌ای گسترش یابد، می‌تواند با حفظ ارتباطش با زمینه، درمواجه با تحولات حاصل از پیوستن به جامعه شبکه‌ای تاب بیاورد. با توجه به اهداف پژوهش: الف) شناخت و بررسی تحولات ناشی از پیوستن اجتماعات به جامعه شبکه‌ای و نحوه تأثیرات آن بر مقوله معماری ب) بهره بردن از راهکارهایی با قابلیت ایجاد تعادل بین اتصال یک اجتماع به شبکه جهانی و استفاده از مزایای آن، و در عین حال حفاظت از ویژگی‌های منطقه‌ای، در راستای تاب‌آوری معماری؛ بنابراین، این سؤالات مطرح می‌شود که: الف) در راستای تحولات جوامع در نتیجه پیوستن به شبکه جهانی، مقوله معماری چگونه تأثیر می‌پذیرد؟ ب) در راستای تحولات جوامع در نتیجه پیوستن به شبکه جهانی، معماری با چه ساز و کاری حیات خود را حفظ نموده و تاب آورد؟ (نمودار ۱)



نمودار ۱- ساختار کلی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

### متغیرهای پژوهش

بر اساس اطلاعات به دست آمده از مطالعات نظری و با توجه به هدف پژوهش، سطح پیوستن جامعه معاصر ایران به شبکه، متغیر مستقل و تحولات در معماری، متغیر وابسته در نظر گرفته شد. در این بین نقش متغیر میانجی نیز، زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و فناوری و تکنولوژی در جهت دادن به این تأثیرپذیری در نظر گرفته شد. همچنین بستر فرهنگی- هویتی، به عنوان متغیر مداخله‌گر مورد بررسی قرار گرفت (نمودار ۲).



نمودار ۲- الگوی رابطه‌ای متغیرها (مأخذ: نگارندگان)

### ۴ ادبیات پژوهش

**جهانی شدن در بر گیرنده «پدیدارشناسی فشرده‌گی» در ارتباط با زمان و مکان؛ به معنی حذف مکان و فراگیر شدن زمان است که به واسطه آن انسان‌ها، به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحدی ادغام می‌شوند (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۴).** جهانی‌سازی از طریق فرآیندهای مشترک اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی و فرهنگی، موجب پیوستگی در سراسر قاره‌ها می‌شود (Knox & Taylor, 2005). تمامی جوامع با فرآیندهای مرتبط با الگوهای یکسان ارتباطات اقتصادی و یکپارچه سازی فرآیندهای انسانی و فرهنگی مرتبطند و این ابعاد در فضای عام مشارکتی و رقابتی جدید، توسط فرهنگ‌ها و جوامع متفاوت چه به صورت الزام و چه به صورت آگاهانه در حال تجربه است (فرهادی محلی، ۱۳۹۰). این فرآیند توسط فناوری‌های پیشرفته و با شتاب بالا به وقوع پیوسته و منجر به در هم تنیدگی مناسبات مختلف، در مکان‌های مختلف، توسط «کنشگران نو» می‌شود (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۴). در این زمینه جان-رنای شورت و یونگ-هیوم کیم (۱۹۹۹) معتقدند که می‌توان سه حالت

مرتبط با جهانی شدن را که شامل اقتصاد جهانی واحد، فرهنگ جهانی واحد و سیاست جهانی واحد است را تشخیص داد (کاظمی و تفنگچی، ۱۳۹۶). با توجه به قابلیت‌های جهانی شدن، هنر نیز از مرزهای جغرافیایی و مناطق بومی خود فراتر رفته و مورد قبول سایر ملل قرار می‌گیرد و در همه جا استاندارد می‌شود و این تغییر بزرگ، به عنوان یک سبک جهانی ادامه می‌یابد (Asefi et al., 2019). معماری نیز به عنوان نمودی کالبدی از فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی، به واسطه معماران به عنوان بازیگران بین‌المللی و با الهام از تصاویر شهرهای رتبه‌دار جهانی، ساختار یافته و گسترش می‌یابد و تغییراتی در سطح انتظارات مردم از امکانات بوجود می‌آورد (Fu, 2020).

جدول ۱- محرک‌ها و تحولات مهم جهانی شدن و انعکاس آن بر فضا و معماری برگرفته از: (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰)، (قزلسفلی و همکاران ۱۳۹۴) و نگارندگان

محرک‌های شکل‌دهنده جهانی شدن	تحولات مهم جهانی شدن	انعکاس بر فضا و معماری
زیرساخت در حال دگرگونی ارتباطات جهانی	افزایش به هم پیوستگی ارتباطات در گستره جهانی	تغییر تعاملات انسان با مکان و فضا
گسترش بازارهای جهانی کالا و خدمات	گسترش فراملی عرصه فعالیت‌های اقتصادی	گسترش شرکت‌های بین‌المللی معماری
تقسیم کار جهانی از سوی شرکت‌های چند ملیتی	افزایش اهمیت اطلاعات در اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزها و کنترل‌های ملی	آزادی و امکان حضور و بیان خرده فرهنگ‌ها در فضای جریان‌ها
رشد ارزش‌های دموکراتیک	ارتقاء مقیاس تأثیرات فعالیت‌ها و عملکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهانی	فرهنگ مشترک/ تغییر رفتار/ تغییر محیط
رشد مهاجرت‌های بزرگ	رشد و گسترش سریع تکنولوژی	گسترش و پذیرش سریع سبک‌های جهانی

### گذار از جامعه اطلاعاتی به جامعه شبکه‌ای

اصطلاح جامعه اطلاعاتی، با گسترش شیوه جدیدی از تولید و مدیریت اقتصادی در دهه (۱۹۸۰) تکامل یافت که در آن رقابت، بسیار متکی بر دانش جدید و سطح دسترسی و پردازش اطلاعات مربوطه در موارد مختلف بود (Knox & Taylor, 2005). اصطلاح جامعه شبکه‌ای بسیار گسترده‌تر از جامعه اطلاعاتی است. وجوه اصلی آن را: جهانی‌سازی، زیرساخت‌های ارتباطی و شبکه‌های جهانی متصل بر منطق سرمایه‌داری؛ تشکیل می‌دهند. تعاملات توسط مشارکت بازیگران واقعی و مجازی در سه سطح ارتباط دهندگان، پیام‌ها و مردم صورت می‌پذیرد (Yang & Saffer, 2019). شبکه‌های رسانه‌ای که جایگزین یا تکمیل‌کننده ارتباطات رودررو می‌شوند، زیرساخت‌های اساسی جامعه شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند و آنچه در گذشته جامعه نامیده می‌شد را به جامعه شبکه‌ای تبدیل می‌کنند (Brennen et al., 2016). جامعه شبکه‌ای با ساختار دوگانه اش منجر به چندین تقابل می‌شود: تمرکز و عدم تمرکز، کنترل مرکزی و خودمختاری محلی، یگانگی و چندگانگی، جامعه پذیری و فردیت. این دوگانگی‌ها هم انتخاب و آزادی بیشتر و هم انتخاب و آزادی کمتری را در استفاده از شبکه‌ها فراهم می‌کند (ون دایک، ۱۳۸۷). مانوئل کاستلز، درحماسه سه قسمتی عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، استدلال می‌کند که تحول گسترده‌ای شامل سه فرآیند به هم پیوسته: انقلاب فناوری‌های اطلاعات، جهانی‌سازی و اقتصاد اطلاعاتی به وقوع پیوسته و شبکه‌های اطلاعاتی را به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه در ظهور این فرآیند معرفی می‌کند. که به عنوان شکلی قدرتمند از یک سازمان اجتماعی؛ روابط تولید، مصرف، نیرو، فرهنگ و تجربه را تغییر شکل می‌دهند (Brennen et al., 2016). شدت و ضعف این دگرگونی‌ها به شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و میزان گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بستگی دارد. جامعه شبکه‌ای با تشدید پیوندهای جهانی به خرده فرهنگ‌ها این امکان را می‌دهد که بواسطه

فضای جریان‌ها به گفتمانی قدرتمند تبدیل شوند (اسدی و صادقی، ۱۳۹۷). منظور از فضای جریان‌ها، نظام مبادلات اطلاعات، سرمایه و قدرت است که توسط کنشگران اجتماعی و بی توجه به مکان و با اشتراکات زمانی، به فرآیندهای پایه‌ای جوامع شکل داده و تحت اثر آن، زمان کوتاه و مکان فشرده می‌شود (دانشپورو همکاران، ۱۳۹۲).

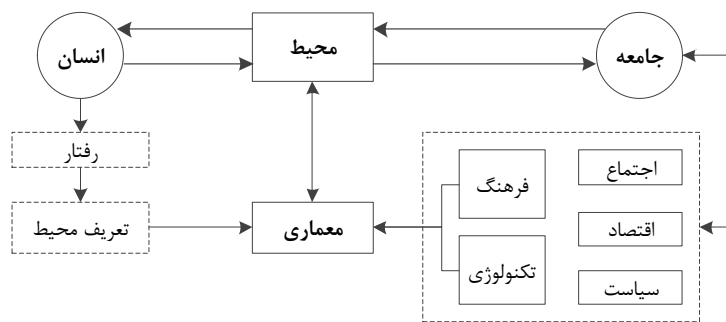
### عوامل اصلی جامعه شبکه‌ای مؤثر بر معماری

#### زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی

ICT، یکی از مهمترین ابعاد جامعه شبکه‌ای، که با خلق مفاهیم جدید در حال تغییر دادن هویت فرهنگی است و اگر اکنون جدی گرفته نشود، جبران آن در آینده مشکل خواهد شد. اما ICT می‌تواند با ایجاد نوآوری‌های جدید مزایایی نیز برای اقتصاد و جامعه ایجاد کند. برای این منظور، باید توانایی انطباق با نیازهای جامعه را پیدا کند که بتواند به فرصت‌های مشارکت در فرآیندهای مختلف تبدیل شود (Helbing et al., 2012). بنابراین با توجه به توسعه و کاربرد ICT و ضرورت استفاده از آن، نمی‌توان به آن نگاهی صرفاً بدبینانه داشت چراکه دانش گذشته برای مدیریت آینده ما ناکافیست. درک متفاوت جوامع نسبت به تأثیر ICT سبب می‌شود تا جوامع مختلف با توجه به شرایط خاص اجتماعی-فرهنگی خود، از این امکانات در جهت ساختاردهی به جامعه خود استفاده کنند (فرقانی و شاه قاسمی، ۱۳۹۴). مرزهای بین دنیای دیجیتال و فیزیکی در حال محو شدن است و رویدادهای دنیای واقعی، توسط اطلاعات در دنیای دیجیتال انعکاس و تفسیر یافته و همچنان تأثیرات آن در دنیای واقعی به وقوع می‌پیوندند. با توجه به استفاده همه جانبه و وابستگی به این سیستم‌ها، نیاز است به اصول طراحی مناسب و این امر به دانش بنیادی علوم اجتماعی نیاز دارد (Helbing et al., 2012).

#### فناوری و تکنولوژی

به عقیده مایکل تانز، جهانی شدن پیامد یک انقلاب تکنولوژیک است که همزمان با رایانه‌ای کردن امور ارتباطات راه دور و حمل و نقل سریع مشاهده می‌شود (فرهادی محلی، ۱۳۹۰، ۶۸). همان طور که با وقوع صنعتی شدن، الگوهای کالبدی قدیمی معنایی تازه یافتند، جامعه شبکه‌ای نیز کالبد جدیدی را با خود به همراه دارد (لفافچی و همکاران، ۱۳۹۹). ابزارهای الکترونیکی با قدرتی که در افزایش سرعت طراحی و آفرینش فرم‌های پیچیده در اختیار دارند، مورد توجه معماران واقع شده و توسعه معماری بر اساس فناوری، خود نیز باعث تشدید روند جهانی شدن شده است (حبیب و حسینی، ۱۳۸۹). فضای منطقی الکترونیکی منجر به ترکیب دوباره معماری با تدابیری رایانه‌ای و تحت اثر نوشتار الکترونیکی شده و به علت بی‌شکلی و غیرمادی بودن نرم افزار، امکان داشتن هر نوع کارکردی را در اختیار می‌گذارد (دانشپورو همکاران، ۱۳۹۲). با بکارگیری فضاهای الکترونیکی و نرم افزارها در تعریف و اداره محیط کالبدی؛ نیازها و الگوهای فعالیت‌های انسانی، نحوه تعامل انسان‌ها با محیط و مکان و مفاهیم مربوط به آن تغییر خواهد کرد و بسیاری از فضاهای مجازی جایگزین فضاهای فیزیکی می‌شوند (علی الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲). با بروز تحولاتی که به واسطه نقش تکنولوژی در تغییر روابط انسان‌ها با یکدیگر و فضا ایجاد شده، تفاوت‌ها از بین رفته و حضور در فضا معنای تازه می‌یابد (لفافچی و همکاران، ۱۳۹۹). پیشرفت تکنولوژی به ساخت معماری و شهر کمک می‌کند لیکن باعث بروز جبرگرایی به عنوان یک رفتار غالب گردیده و به تنهایی پاسخگوی نیازهای متفاوت نیست. استفاده آگاهانه از تکنولوژی و همخوانی تعاملات «معماری، هویت و تکنولوژی» مهمترین موضوع مؤثر در فهم و ساختار دهی آینده معماری در عصر شبکه است (فیضی و اسماعیل دخت، ۱۳۹۴). (نمودار ۳)



نمودار ۳- تأثیر متقابل جامعه، انسان، محیط (مأخذ: نگارندگان)

### چالش‌های گذار به جامعه شبکه‌ای

#### -ارتباطات جهانی و تأثیرات آن بر حوزه تعاملات اجتماعی و سبک زندگی و ارتباط آن با مقوله معماری

جامعه مدرن بر پایه فناوری‌های دیجیتال و اینترنت به عنوان هسته اصلی؛ در حال تبدیل به شبکه جهانی واحدی است که در آن نحوه تعاملات اجتماعی، شیوه زندگی افراد و گروه‌ها دگرگون شده و آنها را در یک چارچوب فناوری خاص به عنوان شبکه محصور می‌کند. این تحولات به طور همزمان چشم‌اندازهای مثبت و منفی را پیش رو دارد (Solovev et al., 2019). در این روند پیچیده پیوندهای جهانی، فرهنگ‌ها متأثر از فرهنگ جهانی در حال تغییرند، لیکن در صورتی مفید خواهد بود که جوامع، اطلاعات را مطابق با ساختار درونی خود پالایش ساخته و در این چرخه رسانی نقش پویا و مؤثری داشته باشند (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۶). استفاده بهینه از ظرفیت‌های رسانه‌های جدید مستلزم آن است که مردم به لحاظ بصری، کلامی، شنیداری، منطقی و تحلیلی رشد پیدا کنند (ون دایک، ۱۳۸۷، ۱۱۶-۱۱۵). هم راستا با این تحولات، معماری نیز دچار دگرگونی‌های اساسی خواهد شد، چراکه تغییر در سبک زندگی، تغییر در مسکن و تغییر در مسکن، خواستار سبک زندگی نوینی است. از سویی در سیستم جدید تعاملات، گسترش الگوهای معماری بواسطه ابزارهای نوین در جامعه شبکه‌ای، گونه‌ای از یکنواختی و یکسان سازی مسکن را به وجود آورده و معنای معماری، مکان و سبک زندگی انسان معاصر دگرگون را ساخته است (علی الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲).

#### -ارتباطات جهانی و تأثیرات آن بر حوزه فرهنگی- هویتی و ارتباط آن با مقوله معماری

فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که گروهی اجتماعی بر آن پایبندند. هویت نیز، معنای منحصر به فردی از یک زمینه فرهنگی است که القاء کننده احساس متمایز بودن است (فیضی و اسماعیل دخت، ۱۳۹۴). فرهنگ‌های بومی و جهانی ضمن تأثیرات دوسویه، فرهنگ مشترکی را می‌آفرینند؛ بدین ترتیب ارتباطات جهانی قابلیت فرهنگ‌سازی دارد. شدت این تأثیرات و تأثرات بسته به ساختار درونی جوامع متفاوت است و برخی فرهنگ‌ها مقاومت کرده، برخی گفتگو و تبادل فرهنگی را ناگزیر می‌دانند و شماری نیز منزوی می‌شوند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰).

معماری به عنوان کالبد فیزیکی، برآمده از شرایط جامعه و بازتابی از قواعد و نظام‌های نمادین جمعی شکل گرفته در بطن فرهنگ است، که در شرایط متغیر خود را منطبق، تحمیل، تغییر و یا منهدم می‌کند. و با آفرینش و گسترش این نظام‌های مشترک و ظهور هویت‌های تازه، در مواردی با پیامدهایی چون یکسان‌سازی و غلبه سبک‌های معماری جوامع سطح یک ظهور می‌یابد (حیب و حسینی، ۱۳۸۹). در این فضا، فرهنگ واقعیت مجازی مطرح می‌شود که در آن هویت‌های جهانی با واسطه‌های الکترونیکی گسترش می‌یابند. نتیجه‌اش از دید داریوش شایگان تکثرات و اختلاط فرهنگی



است که نقش مؤثری در دگرگون کردن هویت مکان نیز دارد (دانشپورو همکاران، ۱۳۹۲). با این حال جهان معاصر، محل تعامل میان نگرش‌ها و ابزارهاست؛ و برتری جویی هویتی، مانعی برای پویایی‌های فرهنگی هویتی جوامع است؛ فرهنگی ماندگارتر است که حضور مؤثری در این تعاملات داشته باشد (شایان، ۱۳۸۷). از سویی در جریان انتقال اطلاعات توسط امکانات نوین، بسیاری از فضاها شهری در نقاط مختلفی از جهان به عنوان فضایی خوب در ذهن انسان ثبت و موجب تغییر تصویر ذهنی انسان‌ها شده و نیازهای آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همین موضوع نیز باعث ترویج سبک خاصی از معماری و شکل‌گیری معماری جهانی گشته است (کاظمی و تفنگچی، ۱۳۹۶).

جدول ۲ - مقایسه افکار و اعتقادات جوامع بر اساس رویکردشان به هویت مأخذ: (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۲۰) و نگارندگان

عصر شبکه	پست مدرن	مدرن	تبیین معنای هویت	
			پیش از مدرن	پیش از مدرن
عصر شبکه	قرارداد شخصی مبتنی برنظر فرد/ برنامه ریزی مشارکتی مردمی	قرارداد اجتماعی مبتنی بر نظراکثرت/ به نمایندگی تفکرات مدرن	قوانین جامعه	جامعه
			هدف انسان	
			رویکرد کلی نسبت به هویت	
			دیدگاه نظری نسبت به هویت	
متکثر و فردی	متکثر و اکتسابی	واحد و اکتسابی	مبانی نظری معماری	معماری
جهانی-بومی	کثرت گرایی و برداشت التقاطی از مفاهیم سنتی/ باور به ناتوانی انسان در احاطه بر واقعیت	عملکرد گرایی باور به قطعیت و پیش بینی پذیری	طراحی معماری	
هم شکلی و یکسان سازی تحت اثر فرهنگ جمعی و استفاده از ابزارهای دیجیتال در طراحی معماری	تقلیدی از معماری گذشته و معماری مدرن/ مخالفت با استاندارد سازی/ توجه به فرهنگ و زمینه	ساخت بناهای هم شکل و هندسی طبق استانداردها/ توجه کمتر به زمینه	ویژگی سبکی	
بهره گیری از امکانات نوین و نمادهای مشترک	بهره گیری از نماد، تزئینات، فرم های انتزاعی/ تقلید معماری گذشته	بهره گیری از تکنولوژی و ساخت و ساز صنعتی	تعبیر مردم از معماری و شهر	
واگرا/ همگرا	واگرا	همگرا (در مقیاس کلان)	ویژگی شهر	شهر
معماری من ها و ماها/ شبکه جهانی شهری و توانایی کنترل شبکه توسط مراکز شهری رتبه دار/ فضای جریان/ مراکز مالی بین المللی	معماری من ها	معماری ما در مقیاس کلان	هویت در معماری	
هویت چهل تکه	هویت متکثر	هویت ثابت و جهان شمول		

#### - ارتباطات جهانی و تأثیرات بر حوزه معماری

رقابت‌های جهانی، خدمات پیشرفته بین المللی و ظهور کارفرمایانی با حساسیت‌های جهان وطنی، مجموعه‌ای از نمونه کارهای بین المللی شرکت‌های معماری را به وجود آورده و دامنه فعالیت بسیاری از بزرگترین شرکت‌ها بواسطه چندین دفتر بین المللی در چندین قاره کاملاً جهانی شده است (Knox & Taylor, 2005). دگرگونی‌های جامعه معاصر ایجاب می‌کند که معماری؛ هماهنگ با زمان و مطابق

خواسته‌های انسان روز شکل گیرد، لذا فضاهای شهری و معماری قالب‌های مفهومی و شکلی جدیدی مبتنی بر ابزارهای نوین و رویه طراحی جدید، منتج از شرایط درونی جامعه و سطح پیوستگی‌اش به شبکه به خود می‌گیرد (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲). اگرچه مخالفت با ساختارهای جدید، پویایی شهر و معماری را متوقف می‌کند؛ موافقت با آن نیز با گسترش نظام‌های ارزشی عام، بدون توجه به ویژگی‌های فرهنگی منطقه‌ای، معماری را به سمت یکسان‌سازی، سوق می‌دهد (مهدوی نژاد و جعفری، ۱۳۹۲). معماری در عصر شبکه‌ای تحت تأثیر بازار جهانی، بعضاً دارای شکل یکنواخت و تکرار و تشابه‌اند و با تأثر از فرهنگ جهانی فضاهایی ناآشنا، بی‌هویت و خالی از حس مکان پدید می‌آورد (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲). معماری امروز عقلانی، شهری، عرفی، جهان/محلی، رسانه‌ای و دمکراتیک شده یعنی از یکسو گذشته و تاریخ را رها کرده و از سوی دیگر با شرایط زمان حال هماهنگ شده؛ به عنوان جزء کوچکی از شهر و یا در ارتباط با شهر، نه در ارتباط با ساکنانش معنا پیدا کرده و خالی از نمادها و نشانه‌های متافیزیکی و معنوی و مذهبی گشته است (علی الحسابی و کرانی، ۲۹، ۱۳۹۲).

#### ارتباطات جهانی و تأثیرات بر حوزه معماری در کشورهای در حال توسعه

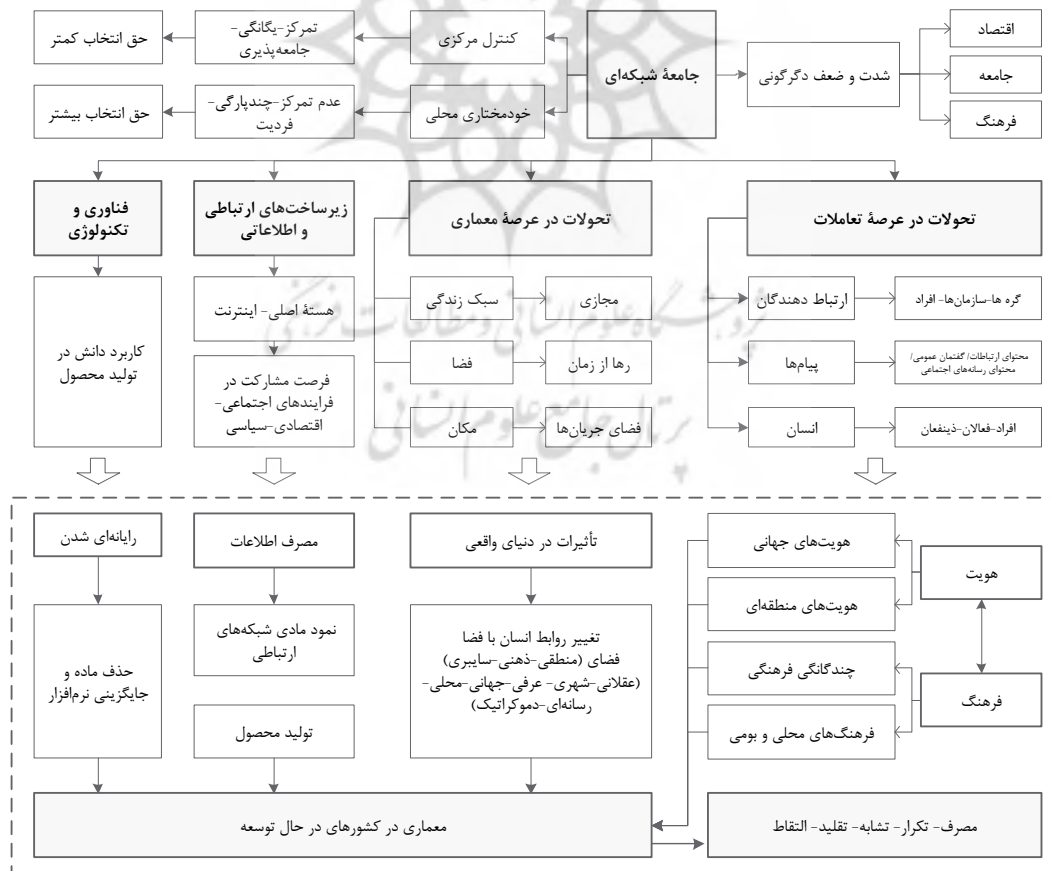
در کاربردها و اثرات (ICT) نوعی سوگیری وجود دارد به این ترتیب که بازیگران اصلی و طراحان فناوری پیشرفته از آن برای تقویت کنترل مرکزی، و محدود ساختن استقلال و حق انتخاب در سطوح پایینی سازمان که با منافع آنها همخوانی ندارد، استفاده می‌کنند (ون دایک، ۱۳۸۷). در شبکه جهانی، برتری شهرها پیرو توانایی حضور آنها در مناسبات اقتصادی، سیاسی و علمی- فرهنگی است و جهانی شدن پیشرفت جوامعی را در پی دارد که دانش و تخصص مشارکت در این فرآیندها را داشته و با نقشی پیشرو و پیوند دهنده، به مراکز اقتصادی و تولیدی بدل می‌شوند. جهانی شدن، به نابرابری توزیع درآمدها و قطبی شدن اجتماعی نیز منجر می‌شود و در کشورهای در حال توسعه این نابرابری حادث می‌شود (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۰). در رابطه با معماری نیز در اغلب آن‌ها سیستم کارآمدی برای هضم دوگانگی محلی - جهانی وجود ندارد و با افراط و تفریط، نتایج طراحی یا به تقلید از الگوهای منقضی شده قبل و یا به از خود بیگانگی در مواجهه با الزامات جهانی ختم می‌شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۳۳). ایالات متحده اولین جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای، شرق آسیا دومین بازیگر عمده و اتحادیه اروپا در معرض خطر بازنده شدن در رقابت بازار اطلاعات جهانی است. ارتباط کشورهای در حال توسعه با بزرگراه اطلاعاتی جهانی، نمونه روشن توسعه مختلط و ناهمگون است و اکثریت مردم اصلاً در آن مشارکت ندارند و در مقایسه با توزیع این رسانه‌ها در کشورهای توسعه یافته بسیار عقب مانده‌اند (ون دایک، ۱۳۸۷). این جوامع با زیرساخت‌های ناکافی برای هم‌سویی با تجربه جهانی، با هدف رشد اقتصادی ضمن مصرف منابع محدود خود گاه‌گاه اولویت‌های بومی خود را نیز از دست می‌دهند. از سویی شبکه‌ای شدن روند پر قدرتی است که کشورهایی را که نتوانند خود را با آن تطبیق دهند، پشت سر خواهد گذاشت، اما در صورت بهره‌برداری مناسب می‌تواند موجب توسعه همه جانبه گردد (فرهادی محلی، ۱۳۹۰). در این شرایط اگر موضعی ستیزآمیز اتخاذ کنیم، پس باید به دستاوردهای معماری جهانی، پشت کنیم و همچنان معماری شاخص گذشته خود را در عصر جدید بی‌توجه به رابطه پویای فضا با زمان تکرار کنیم. در حالی که هم تقلید از گذشته وهم مقاومت کردن در مقابل تحولات جهانی برای معماری زیان‌بارند (الفافچی و همکاران، ۱۳۹۹).

#### ارتباطات جهانی و تأثیرات بر حوزه معماری در کشور ایران

با تحولاتی که در اثر پیوستن به شبکه در مفاهیمی چون زمان و مکان ایجاد شده؛ و در پاسخ به

نیازهای جدیدی که در این روند مطرح است، معماری معاصر ایران نیز دچار دگرگونی های پرشتابی می شود و این شرایط در جامعه ای چون ایران و بدون زمینه های کافی، بسیار حساس است زیرا اگر بخواهد بدون در نظر گرفتن قابلیت های پذیرش و شرایط درونی جامعه، همگام با سرعت تحولات جهانی حرکت کند، آسیب هایی را در در آینده تجربه خواهد کرد. جامعه معاصر ایران در شرایط سردرگمی، میان دو دیدگاه جهانی-محلی به سر می برد این در حالی است که نه تکرار معماری گذشته دور از واقعیت های امروز؛ و نه پرداختن به عقل ابزاری و بهره بردن از نتایج تولیدات و ابزارهای جهانی بی توجه به اندیشه های آن ها، نمی تواند روشی اصولی برای طراحی معماری معاصر باشد (حبیب و حسینی، ۱۳۸۹).

موضوع دیگر مربوط به سطح توسعه فناوری و زیرساخت های ارتباطی است که براساس میزان آمادگی و ظرفیت استفاده از ICT ارزیابی می شود و کشور ایران بین یازده کشور خاورمیانه حائز رتبه نهم است و در فرآیند حرکت به سمت جامعه اطلاعاتی نیاز به اقداماتی اساسی دارد (فرقانی و شاه قاسمی، ۱۳۹۴). از جمله مهمترین پیامدهای جامعه شناسی جهانی شدن برای برنامه ریزی توسعه در ایران آن است که برای استفاده از فرصت های جهانی شدن و کاهش مخاطرات آن باید مجموعه ای از تدابیر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طراحی و اجرا شوند تا باعث هم افزایی نیروهای جهانی و داخلی برای توسعه ملی شود (محمدی الموتی، ۱۳۹۲، ۵۶). معماری معاصر ایران بر پایه چارچوبی برنامه ریزی شده، نیازمند فراهم آوردن زمینه ای مناسب جهت پیوستن به عرصه رقابت جهانی است که بتواند در عین بهره برداری از مزایا و امکانات جهانی ویژگی های درونی خود را را بهبود بخشد.

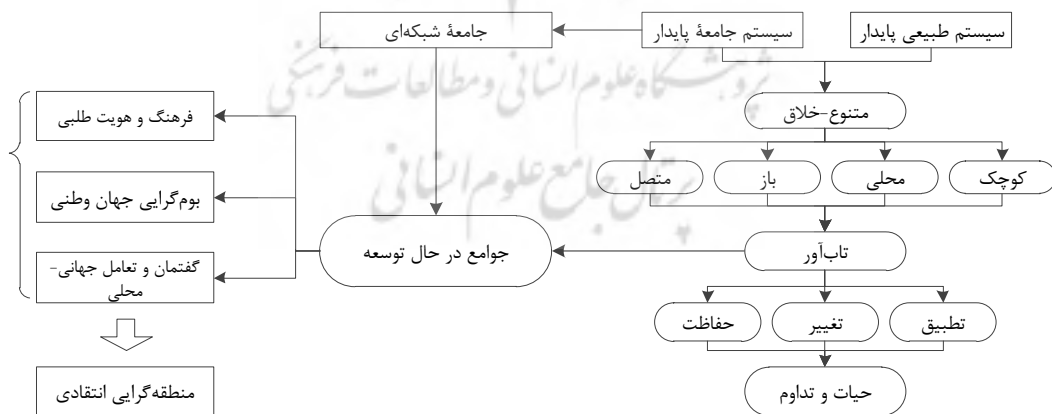


مودار ۴- مدل مفهومی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

## ۵- بحث و ارائه یافته‌های پژوهش

### مفهوم تاب‌آوری در مواجهه با تحولات جهان معاصر

تاب‌آوری مفهومی است که خواستار تجدید ساماندهی، به سمت جامعه‌ای مقاوم در دنیای متحول معاصر است و از نظر فنی به معنای تنوع، افزونگی و آزمایش مداوم است. تنوع و خلاقیت، چنانکه مشابه ویژگی‌های یک سیستم طبیعی پایدار است، باید بخش جدایی‌ناپذیری از طراحی جوامع مقاوم باشد. این جوامع خلاق با ابداع و تقویت فعالیت‌های جدید فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ایده‌ جدیدی از مکان را ایجاد می‌کنند (Manzini & M'Rithaa, 2016). تاب‌آوری شهری نیز به توانایی یک سیستم شهری و تمام شبکه‌های اجتماعی-اکولوژیکی و اجتماعی-فنی تشکیل دهنده آن در مقیاس‌های زمانی و مکانی، برای حفظ یا بازگشت سریع عملکردهای مطلوب در برابر اختلال، سازگار شدن با تغییرات و نیز تغییر سریع سیستم‌هایی که ظرفیت سازگاری فعلی با آینده را محدود می‌کنند گفته می‌شود (Colding et al., 2020, 1). کلید اصلی دوام هر سیستم، «تفکر سیستمی» با اهمیت دادن به سهم زیر سیستم‌های کوچک‌تر و همچنین حفظ تعاملات با سیستم‌های بزرگتر است. سیستم‌های تاب‌آور دانش محلی را در نظر می‌گیرند، یادگیری را تشویق می‌کنند و ساختارهای مدیریتی انعطاف‌پذیری دارند. کانون توجه جامعه تاب‌آور از لحاظ دامنه تأمل دارد که منطقه‌ای باشد تا جهانی؛ و در روند مدیریت، درک صحیح از هویت، ارزش‌ها و نقاط قوت جامعه حائز اهمیت است که بتوان با در نظر گرفتن دانش و ارزش‌های محلی، برنامه‌های خاصی برای توسعه ظرفیت‌های آنها اعمال کرد (Blair & Mabee, 2020). تشخیص به موقع تحولات و انعکاس آن بر روی شهر و معماری، و همچنین در نظر گرفتن توانایی درونی جوامع در در تطبیق، تغییر و حفاظت خلاق و برنامه‌ریزی و طراحی مطابق آن؛ می‌تواند سبب ارتقاء تاب‌آوری گردد (نمودار ۵). برای دستیابی به شکل‌گیری یک جامعه شبکه‌ای تاب‌آور و ظهور یک فرهنگ جدید نیاز به تلاش‌های همگراست: جامعه‌ای مقاوم است که قادر باشد با تلاطم زمان ما روبرو شود و از آن استفاده کند و از تجربیات در مورد چگونگی پیشرفت بهتر بیاموزد (Manzini & M'Rithaa, 2016).



نمودار ۵ - ویژگی‌های سیستم‌های تاب‌آور «جامعه، طبیعت، معماری» (مأخذ: نگارندگان)

### فرهنگ و هویت طلبی واکنشی به چالش‌های جامعه شبکه‌ای در راستای تاب‌آوری

هویت در جامعه شبکه‌ای یک فرآیند لایه‌ای است که خود به صورت شبکه‌ای است. فرآیند اصلی هویت به طور فزاینده‌ای از طریق شبکه‌های جهانی بیان می‌شود. جنبش‌های متفاوت برای ایجاد

فرهنگی جدید دست به کار نمادین می‌زنند و هویت‌های جدیدی را در مسیر فراملیتی شدن بوجود می‌آورند (Brennen & Kreiss, 2016). جامعه اطلاعاتی بواسطه خصلت تعاملی رسانه‌ها مبین هویت بی‌ثبات، تغییرپذیر، منفعل و منعطف انسان معاصر است. در این روند جدید به دلیل توسعه انتخاب‌ها، فرد نیازمند یک نظام ترجیحی است که او را به عنوان یک «انتخابگر»، هدایت کند (اژدری، ۱۳۹۲). جامعه در برخورد با هویت‌های چند گانه و دیجیتال، زمانی می‌تواند تداوم یابد که هویت خود را توسعه، تکامل و انتقال دهد و از آن جهت که هویت انتخابیست، اگر پاسخگوی سطوح مختلف نیازهای فرد باشد به طبع نمادهای هویتی، درونی را انتخاب می‌کند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰). هویت مکان‌ها و هویت اشخاص، در رابطه‌ای دوسویه با هم قرار دارند؛ تغییر مکان تحت تأثیر اتصال به شبکه، هویت‌های جدید و هویت‌های جدید نیز مکان‌های جدیدی تعریف می‌کنند (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲).

### بوم گرایی جهانی وطنی واکنشی به چالش‌های جامعه شبکه‌ای در راستای تاب‌آوری

از دیدگاه رولند رابرتسون در روند جهانی شدن، فرهنگ‌های قومی- ملی و فرهنگ مشترک جهانی هرکدام در جایگاه خود مؤثرند و حاصل این تجمیع «فرهنگ جمعی» است؛ عامیت و همگونی و خاصیت و ناهمگونی دو وجه متباینی از این فرآیند است (لفافچی و همکاران، ۱۳۹۹). شهرهای جهانی به همان اندازه پدیده‌های محلی هستند که محصولات نیروهای بین‌المللی هستند. اصطلاحاتی مانند "glocalization" یا "glocommodification" به طور همزمان از فرآیندهای جهانی و محلی صحبت می‌کنند. (Fu, 2020) مسأله اساسی امروز ما، توجه همزمان به زندگی مشترک بین‌المللی و ویژگی‌های خاص محلی است؛ پویایی و حرکت دائمی حاصل این پیوند محلی-جهانی است. کنت فرامپتون معتقد است در میان عوامل سازمان دهنده شکل محلی، دو عامل درونی فرهنگ و هویت در مقایسه با عوامل ساختاری، از اهمیت بالاتری برخوردار است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۸). اصطلاح محلی در "جامعه شبکه" در معنای جدیدش ویژگی‌های خاص مکان‌ها را با پدیده‌هایی که توسط هم‌پیوندی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان تولید و پشتیبانی می‌شوند، ترکیب می‌کند. جوامع خلاق با ابداع و تقویت فعالیت‌های جدید همه‌جانبه، ایده جدیدی از مکان را ایجاد می‌کنند که دیگر موجودی منفرد نیست و به گره‌ای در شبکه تبدیل می‌شود. بنابراین بومی‌گرایی جهان وطنی در حال ظهور را می‌توان تعادلی خلاقانه بین ریشه در مکان و جامعه معین، و باز بودن برای جریان‌های جهانی دانست (Manzini & M'Rithaa, 2016).

### گفت‌وگو و تعامل جهانی محلی واکنشی به چالش‌های جامعه شبکه‌ای در راستای تاب‌آوری

هویت و بازشناخته شدن، مستلزم یک رابطه مبتنی بر گفتگو در همه سطوح است و تکامل بینش انسانی با تک‌گویی میسر نمی‌شود (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۶). جان تاملینسون با طرح ایده جهانی محلی، ویژگی شهروند جهانی را ضمن دارا بودن امکاناتی مشترک، توجه توأمان به تعلقات محلی و جهانی توصیف می‌کند که وارد گفتگویی خلاق با جهان می‌شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲). شهروندان جهانی در جامعه شبکه‌ای، کنشگرانی در ارتباطی متقابل هستند و بواسطه تکرار منابع هویت‌ساز، هویت‌های تغییرپذیری دارند که ضمن ایجاد آسیب‌هایی به هویت ملی، وجوه مثبتی نیز مانند امکان مشارکت در فرهنگ جهانی برای همه انسان‌ها «دموکراسی اطلاعات» فراهم می‌شود (اژدری، ۱۳۹۲). معماران به عنوان کنشگرانی که بر حوزه‌های میان رشته‌ای دانش احاطه دارند، نقش مؤثری در ایجاد بستری مناسب برای گفتگوهای میان فرهنگی دارند (شایان، ۱۳۸۷). در چنین شرایط تکرار

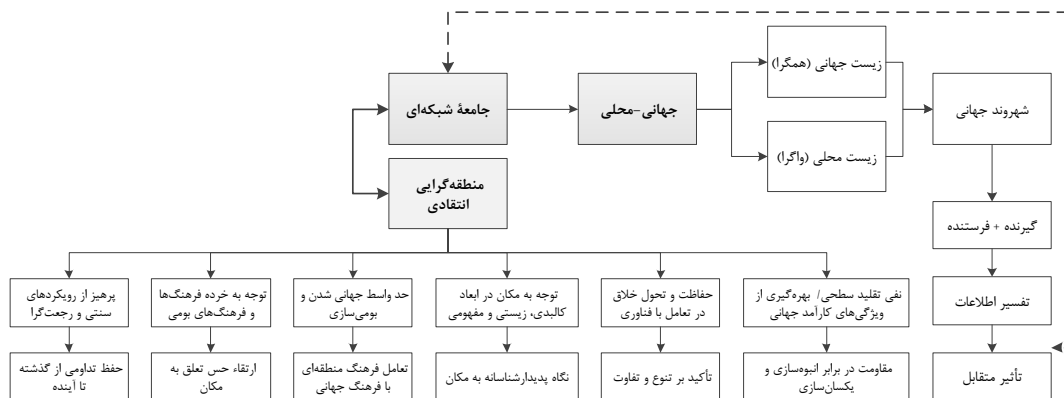
گرایانه‌ای توان فرهنگی صرفاً به میراث فرهنگی و گذشته اطلاق نمی‌گردد، بلکه به داشته‌هایی از فرهنگ عنوان می‌شود که در فرآیند تعاملات جهانی، قابل ارائه به دیگران بوده و موجبات گفتگو را فراهم می‌آورد (شایان، ۱۳۸۷، ۱۳۳).

### منطقه‌گرایی انتقادی واکنشی به چالش‌های جامعه شبکه‌ای در راستای تاب‌آوری

«منطقه‌گرایی» بر لزوم توجه به ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقلیمی خاص منطقه؛ با هدف واگرایی و هویت جویی در مقابل همگرایی و مشابه سازی جهانی تأکید می‌کند. در نتیجه مذاکره بین این دو وضعیت، معماری میانه‌رویی شکل می‌گیرد که هم منتقد همگونی و یکنواختی و بی‌مکانی جریان مدرن و هم تاریخ‌گرایی جریان پست مدرن است. «منطقه‌گرایی انتقادی» به عنوان زیر بنای نظری تبیین معماری مدرن در کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شده است (قنبری و همکاران، ۱۳۹۸). در جهان معاصر و بواسطه روابط جدید، فرهنگ انسان‌ها حاصل گفتگوی فرهنگ‌های منطقه‌ای و فرهنگ جهانی است. لذا شناخت تعامل میان آنها ضروریست و بر اساس گفته کنت فرامپتون، منطقه‌گرایی انتقادی باید ضمن استفاده از کیفیت‌های پیش رونده جهانی معماری مدرن، به ویژگی‌های خاص زمینه هم توجه داشته باشد (تجدد و اسلامی، ۱۳۹۸). حاصل این سیاست، نوعی معماری است که در تعامل دوسویه جهانی-محلی قرار دارد (مُودارن). می‌توان منطقه‌گرایی را با دو مفهوم «خصوصیات جامعه‌ای» و «امتزاج» مورد بررسی قرار داد. خصوصیات جامعه‌ای معرف ویژگی‌های خاص سرزمینی است؛ امتزاج نیز معرف تأثیرات دوسویه میان فرهنگ‌های خاص و عام است که ضمن آن فرهنگ، با ترکیب‌های تازه‌ای باز تعریف می‌شود (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۶).

جدول ۳ - دیدگاه صاحب‌نظران پیرامون منطقه‌گرایی مأخذ: (قنبری و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۳۶۵) (تجدد و اسلامی، ۱۳۹۸، ۲۳) (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۵)

محقق و نظریه پرداز	تعریف منطقه‌گرایی
سها اوزکان	دیدگاهی تحلیلی و انتقادی است و بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان تأکید دارد/آنچه مورد مخالفت معماران منطقه گرا واقع شد مدرنیسم نیست؛ بلکه گرایش به سبک بین الملل است
الکساندر ژونیس	رویکردی در طراحی است که هویت منطقه را بر خصوصیات عام جهانی مقدم می‌داند/ هدف منطقه‌گرایی، ایجاد تنوع در عین سود بردن از مزایای جهانی است
کنت فرامپتون	آشتی دادن تمدن‌های جهانی با خصوصیات ویژه مکانی (تعامل فرهنگ منطقه‌ای با فرهنگ جهانی) و مقاومتی درمواجه با استانداردهای جهانی و یکنواختی و تنزل مقام مدرنیسم
هریس	منطقه‌گرایی علاوه بر تأکید بر وجود ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، به فرهنگ جهانی نیز نظر مثبت دارد/ معماری منطقه گرا؛ گوناگونی، آزادی و بسط یافتگی را تصویر می‌کند
لویس مامفورد	منطقه‌گرایان سعی دارند ویژگی‌های منطقه‌ای را با مؤلفه‌های جهانی نظیر فناوری و اندیشه‌های انتقادی پیوند دهند/ منطقه‌گرایی چالشی در برابر ملی‌گرایان و سلطه دولت‌های ملی است
نوربرگ شولتز	بخشیدن حال و هوا به معماری و تقویت حس مکان
زیگفرد گیدین	منطقه‌گرایی جدید: رویکردی خلاق به جای رویکردی رجعت‌گر، حفاظت خلاق به جای تقلید یا حفاظت ایستا
کن پینگ	برقراری پلی بین فناوری و فرهنگ (از طریق بیان ترکیب بندی سازه‌ها، زیبایی‌شناسی، سازمان بنا و جمع بندی فنی و مصالح به کار رفته در زمان و مکان معین)
پل ریکور	اگر منطقه‌گرایی انتقادی و مرزهای متغیر آن به صورت کامل باز تعریف شوند، اغلب نیاز به رها کردن گذشته فرهنگی به صورت کامل جهت مشارکت در تمدن مدن وجود نخواهد داشت
توماس شوماخر	آنچه انسان نیازمند آن است، پیشرفت‌های تکنولوژیکی پیشرفته نیست؛ بلکه فناوری‌ای است که همراه با حفظ اصالت‌ها و اصول محیطی؛ بین انسان، جامعه و طبیعت تعادل برقرار کند
کریس ایل	متضادها مکمل هستند؛ تلاش برای برقراری تعادلی پویا بین مفاهیم: متضاد، نو، کهنه، خردگرا، احساسی، جهانی، خاص



نمودار ۶ - منطقه‌گرایی انتقادی رویکردی در تعامل با فرآیند شبکه‌ای شدن (مأخذ: نگارندگان)

## ۶- نتیجه‌گیری

براساس آنچه عنوان شد؛ شبکه‌ای شدن فرآیندی پیچیده و چندوجهی است که طی آن تعاملات میان فرهنگی در گستره‌ای از فرهنگ‌های بومی و فرهنگ جهانی شدت می‌یابد. حاصل این امر؛ مرززدایی، وابستگی و در هم تنیدگی جوامع در همه ابعاد نسبت به یکدیگر است. شتاب این تحولات، ضرورت همگام شدن با کیفیت‌های پیشرونده جهانی را جهت توسعه اقتصادی جوامع ضروری می‌سازد، چراکه جوامعی که با دانش روز هماهنگ نشوند منزوی و متحمل آسیب خواهند شد. فن‌آوری عنصری برآمده از اجتماع است و نه عاملی بیرونی و تمامی فعالیت‌ها به نوعی با فناوری‌های نوین آمیخته است، در این بین نمی‌توان معماری معاصر ایران را نسبت به تحولات حاصله از شبکه‌ای شدن جدا دانست و با در اختیار داشتن امکان دسترسی به زیر ساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تکنولوژی، ضمن تغییر در روابط انسان با فضا و مطرح شدن نیازهای جدید، در ابعاد مفهومی و کالبدی نوینی ظهور می‌یابد. در این بین، لزوم هماهنگی معیارهای بومی با معیارهای جهانی اهمیت پیدا می‌کند، اما آثار این پیوند در کشورهای در حال توسعه معمولاً با پذیرش بی‌مناقشه سبک‌های جهانی و سوق به سمت یکسانی و فراموشی معیارهای بومی همراه است؛ لذا محصول معماری، به گونه‌ای ناهمخوان با فرهنگ درونی جامعه گسترش یافته و از آنجا که پاسخگوی نیازهای جامعه در همه سطوح نیست، در طول زمان با عدم پذیرش و یا پذیرش جبری توسط انسان مواجه می‌شود. بر اساس روابط مشخص شده در (نمودار ۷)، لازمه شکل‌گیری معماری تاب آور در جامعه شبکه‌ای تعدیل آثار این تحولات با حفظ ارتباط همزمان میان مقوله‌های: فرهنگ و هویت بومی، فرهنگ و هویت جهانی، مکان، فضای جریان، فن‌آوری و تکنولوژی با محوریت اصلی انسان و در رابطه‌ای پویا با زمان است. از آنجا که مبدأ ایجاد آسیب‌ها که به سایر مقوله‌ها نیز انتشار می‌یابد بعد فرهنگی هویتی است، پس نیاز به توجه اساسی دارد و آگاهی از این موضوع که معماری معاصر ایران باشتاب فراوان تحت اثرات شبکه جهانی قرار دارد می‌تواند برای کنترل و تعدیل این جریان مفید واقع شده و همراهی با این فرآیند را به گونه‌ای تعریف و برنامه‌ریزی کند که بتواند ضمن استفاده از این فضا، تاب آورده و تداوم یابد.



نمودار ۷- روابط متقابل میان حوزه‌های مؤثر بر معماری در جوامع شبکه‌ای (مأخذ: نگارندگان)

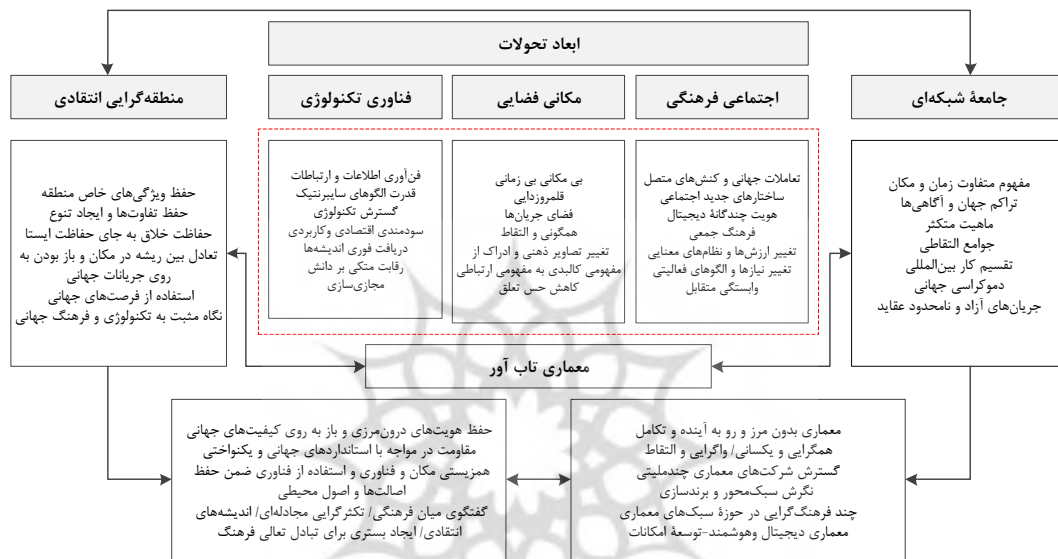
با توجه به آثار دوگانه این فرآیند، که هم توانمند ساز و هم محدود کننده هست (جدول ۴)؛ نمی‌توان به آن نگاهی صرفاً بدبینانه داشت. مهم شناخت شرایط و آگاهی از این موضوع است که معماری معاصر ایران در ارتباط با فرهنگ‌های عام و خاص قرار گرفته و در جریان این تعاملات همزمان از جامعه بزرگتری تأثیر پذیرفته و روی آن نیز تأثیرگذار است و در تعریف هویت جامعه خود و نیز جوامع دیگر ایفای نقش می‌کند؛ که بتوان با توجه به آن موقعیت معماری خود را در این روابط، متناسب با بستر بومی و جهانی تعریف کرد. همچنین توجه به این نکته که فناوری و تکنولوژی به تنهایی آثار مخربی در حوزه معماری ایجاد نمی‌کنند و برای رشد معماری به سوی آینده ضروری و سودبخش نیز هستند، اهمیت دارد؛ چراکه در جریان شبکه‌ای شدن، در واقع محتوای پیام‌های کثیر و کنترل نشده هستند که بواسطه ابزار نوین گسترش یافته و آثار آن، هویت فرهنگی منطقه را تغییر و مورد تزلزل قرار می‌دهد. لذا تا زمانی که بدون آگاهی و با اهداف اقتصادی و سهولت کاربردی؛ دانش، دستاوردها و سبک‌های جهانی بطور مطلق و بدون در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی پذیرفته و تکرار شود به طبع حیات و تاب‌آوری معماری که عنصری است در تعامل با بستر فرهنگی به خطر می‌افتد و این پیوستگی در صورتی مفید خواهد بود که اطلاعات، هماهنگی با ساختار درونی جامعه تفسیر و پالایش شود. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل مطالعات و طبق روابطی که در (نمودار ۵) مشخص شده، اگر جامعه را به صورت سیستمی مورد مطالعه قرار داد ویژگی‌هایی چون تنوع، خلاقیت و ارتباط را که در سیستم‌های پایدار نهفته است را به جامعه و معماری بسط داد، در این صورت می‌توان به آمادگی برای تغییر، تطبیق و در نهایت به طور همزمان حفاظت خلاق، توسعه و تاب‌آوری در مواجهه با عناصر سیستم جامعه شبکه‌ای دست یافت. محصول معماری زمانی می‌تواند در این گفتمان جهانی تاب بیاورد که در حرکتی موافق زمان، ضمن حفظ ارتباطش با جهان، به صورتی آگاهانه ویژگی‌های خود را شناخته، حفظ و توسعه بخشد و در تعادلی بین حفظ ریشه‌اش با زمینه خود و تحولات جهانی قرار گیرد تا بتواند با برقراری تعاملی خلاقانه، نوعی از معماری را تعریف کند که ضمن احیاء و تقویت ارزش‌های منطقه‌ای، با ایجاد بستری مناسب برای حضوری پویا و ایفای نقش در معماری آینده مزایای جهانی را نیز به همراه داشته باشد.



محتوا	آثار و ویژگی‌ها	
	وضعیت (الف)	وضعیت (ب)
جامعه	اتصال	انفصال
	انتخاب و آزادی بیشتر/ گسترش حیطه انتخاب از سطح ملی به جهانی	انتخاب و آزادی کمتر
	همگرایی	واگرایی
	تمرکززدایی/ کنترل مرکزی/ مرز زدایی	تمرکز/ فردیت و خودمختاری محلی
	جوامع فراملی/ جامعه جهانی/ فرصت‌های مشترک در روندهای مختلف	جامعه ملی/ جامعه محلی
	تعاملات جهانی و تشدید پیوندهای جهانی	تعاملات منطقه‌ای/ ارتباطات رودرو
	اطلاعات و گسترش سریع دانش و دسترسی به منابع اطلاعات	دانش محلی
	خاتمه عصر سلطه تولید	سلطه عصر اطلاعات
فرهنگ و هویت	فرهنگ جمعی/ هویت جهانی/ تقابل تمدن و فرهنگ/ غلبه فرهنگ‌های پر قدرت	فرهنگ بومی/ هویت منطقه‌ای/ باز آفرینی/ شکل‌گیری هویت‌های جدید
	چندگانگی و چند فرهنگی	بگانگی و خاص‌گرایی فرهنگی/ حفظ ارزش‌های بومی
	همگرایی فرهنگی/ خاص شدن عام/ تغییر جبری سبک زندگی/ تغییر ارزشها و تغییرات بنیادی تفکرات	واگرایی فرهنگی/ عام شدن خاص/ حضور فرهنگ‌های مختلف قومی و ملی/ امکان جریان ورشد خرده فرهنگ‌ها
	بحران هویت/ کاهش تمایزات	تمایزات فرهنگی، اجتماعی و هویتی
مکان	سست شدن پیوند فرهنگ با مکان و قطع ارتباط انسان با محیط	حضور و ارتباط انسان با محیط و فضای واقعی
	بحران حس مکان	تلاش برای حفظ حس مکان
معماری	تقلید سطحی و بی‌منطق بدون شناخت	باز آفرینی خود/ احیای هنر و ارزشهای محلی
	سلطه معماری مجازی بر اساس الگوهای تبلیغ شده جهانی/ هنر رسانه‌ای	معماری برمبنای الگوی مسکن بومی
	نمادهای مشترک و جمعی/ توانایی ایجاد زبان بین‌المللی	نمادهای منحصر به فرد
	عامیت و همگونی/ تشدید روند‌های یکسان‌ساز جهانی/ عملگرایی	خاصیت و ناهمگونی/ تنوع و تفاوت در طراحی و ارائه ایده‌ها
	کاهش حس تعلق و بیگانگی انسان نسبت به معماری	حس تعلق و معنای محیط
	جدایی از اصول گذشته	استمرار گذشته

بر اساس فرضیه عنوان شده و با در نظر گرفتن این نکته که نه می‌توان فرهنگ و معماری بومی را به طور کامل نادیده گرفت و نه می‌توان به طور مطلق فرهنگ و معماری جهانی را پذیرا شد، مهیا ساختن زمینه‌های آمادگی برای همراه شدن با تحولات جدید، در دامنه‌ای از زیرساخت‌های توسعه فناوری و فرهنگی برای جامعه معاصر ایران ضروری است. همچنین در این فرآیند تعاملی، پیام‌های دریافتی نیاز به پردازش و متناسب سازی با بستر درونی دارد که با جهت‌گیری هدایت شده تفکرات جامعه؛ تبادلی پویا و مشارکتی آگاهانه و در عین حال حافظ ویژگی‌های درونی جامعه را فراهم آورد. بنابراین برای تعدیل تأثیرات این تحولات نیاز به راهبردهای کنترل‌کننده و متناسب ساز است که بتوان با درک صحیحی از فرآیند اطلاعات و در نظر گرفتن قابلیت‌های درونی جامعه و ویژگی‌های متفاوت آن؛ معماری را در برابر آسیب‌های احتمالی در مواجهه با فرآیند شبکه‌ای شدن محافظت کرد. با

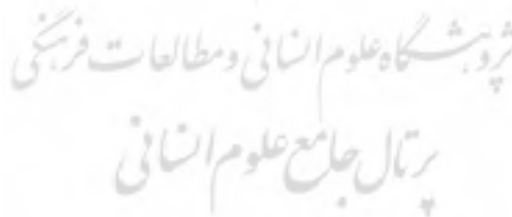
توجه به تحلیل واکنش‌هایی که در مواجهه با این فرآیند تا به کنون ایفا شده، می‌توان گفت دستیابی به این اهداف در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، در بهترین سطح در نگاه منطقه‌گرایی انتقادی قرار می‌گیرد. (مودار ۸) منطقه‌گرایی انتقادی نه موافق ایستا ماندن و بازگشت به معماری گذشته است و نه موافق نگاه جهانی به معماری؛ و آن معماری است که ضمن داشتن نگاهی مثبت به تکنولوژی و فناوری، با حفظ تفاوت‌ها و ویژگی‌های اصیل منطقه‌ای، معماری بومی را به زبانی نو تعریف می‌نماید. بنابراین به نظر می‌رسد که نگاه به معماری با ارزیابی انتقادی این فرآیند، ضمن در اختیار داشتن استراتژی‌هایی که در عین تطبیق با جریانات جهانی، هویت درونی جامعه معاصر ایران را حفظ و توسعه بخشد؛ توانایی مقاومت و تاب‌آوری در برابر جریانات نوین شبکه‌ای شدن را دارد.



مودار ۸ - تعامل جهانی- منطقه‌ای (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

پی‌نوشت‌ها

۱. Roland Robertson
۲. Patrick Geddes
۳. Marshall McLuhan
۴. Thomas Kuhn
۵. Peter Hall
۶. John Friedmann
۷. Saskia Sassen
۸. Manuel Castells
۹. Peter J. Taylor
۱۰. Anthony Giddens
۱۱. Malcolm Waters
۱۲. David Held
۱۳. David Harvey
۱۴. Immanuel Wallerstein
۱۵. John Tomlinson
۱۶. John Rennie Short
۱۷. Yeong-Hyun Kim



## منابع

- ازدري، بهناز. (۱۳۹۲). آسیب شناسی بعد سیاسی هویت ملی در عصر جامعه اطلاعاتی. مطالعات سیاسی، ۲۰(۵)، ۱۹۷-۱۷۹.
- اسدی، روح اله و صادقی، مجتبی. (۱۳۹۷). فرایند خروج فضای جغرافیایی از تک متن گرایی، در جامعه شبکه ای (چرخه ها و چرخش ها). پژوهش های جغرافیای سیاسی، ۳(۱)، ۱۰۴-۱۸۷.
- بایزیدی، قادر، اعتصام، ایرج، حبیب، فرح و مختابادامرئی، مصطفی. (۱۳۹۶). جهانی سازی و منطقه گرایی در معماری معاصر: تعامل یا تقابل. هویت شهر، ۳۱(۱۱)، ۳۰-۱۷.
- پوراحمد، احمد، قرخلو، مهدی و موسوی، سیروس. (۱۳۹۰). بررسی مفاهیم و شاخص های نظریه شهر جهانی. باغ نظر، ۸(۱۶)، ۴۲-۲۹.
- تجدد، تینا و اسلامی، سیدیحیی. (۱۳۹۸). بررسی ضرورت منطقه گرایی انتقادی در توسعه معماری امروزی. مطالعات محیطی هفت حصار، ۷(۲۸)، ۳۲-۱۹.
- توحیدفام، محمد. (۱۳۸۹). نقش و تأثیر پارادایم های روش شناسانه و معرفت شناسانه بر نظریه های جدید جامعه شناسی سیاسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲۵(۲)، ۶۵-۲۹.
- حبیب، فرح و حسینی، اکرم. (۱۳۸۹). تحلیلی از معماری معاصر ایران در رویارویی با پدیده جهانی شدن. هویت شهر، ۴(۱۶)، ۳۸-۲۹.
- دانشپور، سیدعبدالهادی، عباسزادگان، مصطفی و قهرمانی، هومن. (۱۳۹۲). خوانشی از دگرگونی شهر در عصر اطلاعات و جهانی شدن. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۶(۱۱)، ۲۳۸-۲۲۳.
- شایان، حمیدرضا. (۱۳۸۷). معماری در دنیای چند جهانی تحلیل رابطه میان معماری و بستر فرهنگی بر اساس دیدگاه تعاملی. نامه معماری و شهرسازی، ۱۱(۱)، ۱۴۳-۱۲۹.
- علی الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه. (۱۳۹۲). عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۱)، ۳۶-۱۹.
- فرقانی، محمدمهدی و شاه قاسمی، زهره. (۱۳۹۴). جایگاه ایران در جامعه اطلاعاتی جهانی. مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۶(۱۵)، ۳۸-۷.
- فرهادی محلی، علی. (۱۳۹۰). بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ. مطالعات راهبرد سیاست گذاری عمومی، ۲۵(۲)، ۹۶-۶۳.
- فیضی، محسن و اسماعیل دخت، مریم. (۱۳۹۴). تبارشناسی تحلیلی تکنولوژی های نوین ساخت جهت هویت بخشی به بناهای معماری با رویکرد زمینه گرایی. مدیریت شهری، ۱۴(۳۸)، ۱۹۵-۱۷۳.
- قزلسفلی، محمدتقی، قورچی، مرتضی و معاش ثانی، صبا. (۱۳۹۴). گذار از کلان شهرها به شهرهای جهانی مقتضیات محیطی جهان شهری و زیستمان حکمروایی خوب. سیاست جهانی، ۴(۴)، ۱۰۱-۱۷۳.
- قنبری، ناصر، یگانه، منصور و هانیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). بازشناسی معیارها و شاخص های زیست منطقه گرایی انتقادی در ساختمان های بلند ایران. مطالعات شهری، ۴(۲)، ۱۳۷۲-۱۳۶۳.
- کاظمی، کیارش و تفنگچی مهباری، میلاد. (۱۳۹۶). جهانی شدن و تأثیر آن بر حق به شهر. مدیریت شهری، ۱۶(۴۶)، ۷۰-۶۱.
- لفافچی، مینو، مزین دهباشی، شریف و اعتصام، ایرج. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت بندی شاخص های معماری و فرهنگ با تکیه بر کاربرد تکنولوژی در عصر جهانی شدن (مورد مطالعه: شهر تهران). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۰(۵۹)، ۲۶۷-۲۵۳.
- محمدی الموتی، مسعود. (۱۳۹۲). جامعه شناسی جهانی شدن: رهیافت هایی برای برنامه ریزی توسعه در ایران. برنامه ریزی بودجه، ۱۸(۱)، ۵۸-۲۵.
- مطلبی، قاسم، حیدری، شاهین و شیرمحمدی، شهرام. (۱۳۹۴). خوانشی از جایگاه و نقش برندسازی معماری بر رقابت پذیری شهری در شهرهای جهانی. مدیریت شهری، ۱۴(۴۰)، ۲۰۶-۱۷۷.
- مهدوی نژاد، محمدجواد و جعفری، فاطمه. (۱۳۹۲). تعامل و تقابل منطقه گرایی و جهانی شدن در معماری معاصر. پژوهش های معماری اسلامی، ۱۱(۱)، ۷۵-۵۹.
- ون دایک، جان. (۱۳۸۳). سیاست گذاری در جامعه شبکه ای (ترجمه پیروز ایزدی). رسانه، ۱۵(۲)، ۱۲۰-۱۸۵.
- Asefi, M., Khasraghi, S. S., & Roders, A. P. (2019). Art and technology interactions in Islamic and Christian context: Historical approach to architectural globalization. *Frontiers of Architectural Research*, 8(1), 66-79.
- Blair, M. J., & Mabee, W. E. (2020). Resilience. *International Encyclopedia of Human Geography*, 11, 451-456.
- Brennen, J. S., & Kreiss, D. (2016). Network Society. *The International Encyclopedia of Communication Theory and Philosophy*, 2, 1-8.
- Brennen, J. S., Kreiss, D., Barney, D., Brennen, J. S., & Kreiss, D. (2016). network society. In *The International Encyclopedia of Communication Theory and Philosophy* (Vol. 2). Polity.

- Colding, J., Colding, M., & Barthel, S. (2020). Applying seven resilience principles on the Vision of the Digital City. *Cities*, 103.
- Fu, A. S. (2020a). Mediterranean Style Gated Communities Around the World: Architecture, Globalization, and Transnational Elites. *City & Community*, 19(2), 421–442.
- Fu, A. S. (2020b). Mediterranean Style Gated Communities Around the World: Architecture, Globalization, and Transnational Elites. *City & Community*, 19(2), 421–442.
- Helbing, D., Bishop, S., Conte, R., Lukowicz, P., & McCarthy, J. B. (2012). FuturICT: Participatory computing to understand and manage our complex world in a more sustainable and resilient way. In *European Physical Journal: Special Topics* (Vol. 214, Issue 1, pp. 11–39).
- Knox, P. L., & Taylor, P. J. (2005). Toward a geography of the globalization of architecture office networks. *Journal of Architectural Education*, 58(3), 23–32.
- Manzini, E., & M'Rithaa, M. K. (2016). Distributed systems and cosmopolitan localism: An emerging design scenario for resilient societies. *Sustainable Development*, 24(5), 275–280.
- Solovev, D. B., Savaley, V. V., Bekker, A. T., & Editors, V. I. P. (2019). *Proceeding of the International Science and Technology Conference "FarEastCon 2019"* (Issue October, pp. 999–1005).
- Yang, A., & Saffer, A. J. (2019). Embracing a network perspective in the network society: The dawn of a new paradigm in strategic public relations. *Public Relations Review*, 45(4), 101843.
- Yi, Z., & Alin, Q. (2020). Extension of Identity Status: "Structural Reproduction" in China's Stratification of the Network Society. In *The Review of Socionetwork Strategies* (Vol. 14, Issue 1, pp. 41–53).



---

# An Analysis of the Challenges and Resilience of Contemporary Iranian Architecture by Joining a Network Society

---

Neshat Alsadat Mehmoodnazari Tekieh<sup>1</sup>, Siyamak Nayyeri Fallah<sup>2\*</sup>

## Abstract

A network society with different concepts of time and space, with a view to global architecture, confronts developing societies, including Iran, with existing challenges. Along with all these transformations and the emergence of damages caused by the emergence of multiple cultures and transnational societies, there are issues for a society regarding how to maintain and recover its position when connected to the network. Therefore, it is an issue that can be investigated, with what mechanism the contemporary architecture of Iran will preserve its life and last in this process. It is assumed that if architecture expands in the field of global discourse based on local cultures, it will be able to withstand the changes caused by joining comprehensive networks by maintaining its connection with the context. In this process, the first step is to recognize the situation with which it exists. The main purpose of the research is to investigate the changes caused by the joining of societies to the network society and how it affects the category of architecture. and using solutions with the ability to connect a community to the network and use its benefits, while protecting regional characteristics, in making architecture more resilient; Therefore, these questions are raised: A) How does the category of architecture get affected by the transformations of societies as a result of joining the global network? b) In the transformations of societies as a result of joining the global society, with what mechanism does architecture maintain its life and continue its life? Based on this, it has been tried to investigate the aspects of the evolution of networking processes by using the studies and opinions of architectural experts and analyze the most important effects related to the topic of architecture. The method of gathering information is in the form of documentation and presentation in qualitative subjects and comparative analysis. The results of studies show that the pluralistic nature of a networked society, relying on the acceleration of intercultural interactions, confronts the architectural product with dual harms such as homogeneity and eclecticism. If we study the society in a systematic way, we can expand the features such as diversity, creativity and communication that are hidden in sustainable systems to the society and the architecture. In this way, we can achieve readiness for change, adaptation and, finally, at the same time, creative protection, development and resilience in facing the elements of the network society system. The architectural product will be able to survive in this global discourse when it consciously recognizes its characteristics and maintains and develops it while maintaining its connection with the world. and create a balance between protecting his own connection with his native context, and the changes that are happening in the world. In order to be able to define a type of architecture in the future by establishing a creative interaction, which while reviving and strengthening its own regional values, by creating a suitable platform for a dynamic presence and playing a role in future architecture, it will also bring global benefits. Based on the stated hypothesis and taking into account the fact that one cannot completely ignore the local culture and architecture, nor can one completely accept the global culture and architecture, preparing the grounds for preparation to go along with the developments.

**Keywords:** Network society, globalization, critical regionalism, resilient architecture

---

1. PhD student of Architecture, Faculty of Architecture, Islamic Azad University of Mazandaran Province, Noor Branch, Noor, Mazandaran

2. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture, Islamic Azad University of Mazandaran Province, Noor Branch, Noor, Mazandaran (\*Corresponding Author)